

فصلنامه علمی

واکاوی مخصص مفصل قاعده اقرار

سید محمد حسینی دره صوفی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

کتاب ادبیات عرب از منظر اهل بیت (ع) و بسترسازی یک تحول در ادبیات آیینی

سید صالح صدر

اصول مدیریت زمان در منابع دینی

سید محمود محسنی (دانشجوی کارشناسی کلام اسلامی)

اعتبار سوگند استظهاری در اثبات دعوی در فقه و حقوق

سید جواد بلخی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی

دکتر عبدالله گوهری طالع (دکتری فقه تربیتی)

بازدارندگی قدرت در سیاست خارجی دولت اسلامی

غلام سخی رحمانی (دانش پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی)

تخصیص یا تخصص بودن مستثنیات قاعده بینه

سید علی اصغر یعقوبی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

غدیر، آغاز مسئولیت بزرگ مرد آسمانی

سید محمد رضا علوی

واکاوی مخصص منفصل قاعده اقرار

سید محمد حسینی دره صوفی^۱

چکیده

در صورتی که عام و سپس خاصی از مولا صادر شود، منجر به تخصیص می شود و اگر هر یک از عام و خاص مستقل از همدیگر باشد، مخصص منفصل نامیده می شود. در این پژوهش، قاعده اقرار به عنوان عام در نظر گرفته شده و قاعده من ملک به عنوان مخصص منفصل آن مورد بررسی قرار گرفت. در تحقیق پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی، قاعده من ملک به عنوان مخصص منفصل قاعده اقرار، بررسی شد و مصادیق فقهی آن مورد پژوهش قرار گرفت. هدف نگارش، تسهیل امور مردم و گسترش قلمرو اعتبار اقرار است. در پایان این نتیجه حاصل شد که اقرار، مخصص به اقرار اصیل و بالغ نیست بلکه افراد دیگر مثل طفل، ولی، وکیل، وصی، عبد مأذون و اقرار متولی وقف نیز معتبر می باشد و به اقرار در این موارد توسط قاعده من ملک مشروعیت بخشیده شده است.

کلید واژه: قاعده من ملک، قاعده اقرار، مخصص منفصل، اقرار وکیل، اقرار کودک

۱. بیان مسئله

قاعده اقرار از قواعد مشهوری است که نه تنها در اسلام بین شیعه و سنی پذیرفته شده است، که همه عقلای عالم بر اعتبار آن صحه گذاشته اند و در محاکم قضایی به عنون مهمترین دلیل از ادله اثبات دعوا، مورد عمل و استناد قرار گرفته و قضات بر اساس آن حکم صادر می کنند.

طبق قاعده اقرار، که برگرفته از متن روایت نبوی: اقرار العقلای علی انفسهم جایز (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۶، کتاب اقرار، باب ۳، ح ۲) است هر انسانی عاقلی می تواند بر ضرر خود و به نفع دیگری اقرار نماید؛ اما اعتبار اقرار، مطلق نیست بلکه تابع شرایطی است.

در کسی که اقرار می کند شرط است که بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار اقرار کرده باشد و مهجور نباشد (محمدبن جمال الدین جبعی عالمی، الروضة البهیة، ج ۶، ص ۳۸۵).

طبق این شرایط، افراد صغیر، مجنون، مهجور، غیر اصیل، و ولی اقرارشان نافذ نیست؛ اما قاعده کلی اقرار به وسیله قاعده «من ملک» تخصیص خورده است و من ملک مفادش این است که هرکسی که اختیار تصرف و حق اعمال بر چیزی را داشته باشد، حق اقرار بر آن چیز را هم دارد مثل وکیل که حق تصرف در مورد وکالت را دارد، حق اقرار نسبت به آن رانیز دارد. این تخصیص، تخصیص منفصل است چون در جمله جداگانه و با فاصله از قاعده اقرار بیان شده است.

ضرورت و اهمیت بحث در آن است که امروزه صدها و بلکه هزاران پرونده در محاکم قضایی منتظر اثبات، صدور حکم و اجرای آن می باشد. قاعده من ملک و اعتبار آن، می تواند حل بسیاری از این پرونده ها را تسهیل کرده و سرعت بخشد.

هدف این نگارش بررسی قاعده من ملک به عنوان مخصص منفصل قاعده اقرار است.

۲. مبانی نظری

برای فهم و درک صحیح بحث، ابتدا مبانی نظری و مفاهیم به کار رفته در پژوهش مورد کنکاش قرار گرفت.

۲-۱. مخصص منفصل

واکاوی مخصص منفصل قاعده اقرار* ۷

اگر شارع طبق مصالحی مثل تدریج، در ابتدای امر، حکمی را به صورت عام بیان کند، و بعد از مدتها، آن حکم عام را تخصیص بزند و بیانی بیاورد که بیانگر ضیق شدن دایره حکم عام قبلی باشد به چنین بیان و قیدی، مخصص منفصل گفته می‌شود. به عبارتی دیگر، اگر مخصص متصل به جمله عام نباشد و عام و خاص عرفاً یک جمله محسوب نگردد، چنین مخصصی را منفصل می‌نامند (زحیلی، وهبه، الوجیز فی اصول الفقه، ص ۲۰۰؛ جزایری، محمدجعفر، منتهی الدراية فی توضیح الکفایة، ج ۳، ص ۴۷۸). در فرهنگ نامه اصول فقه نیز بیان شده است که: «مخصص منفصل، مخصصی است که به عام متصل نیست، بلکه در کلامی دیگر به صورت مستقل آمده است، به گونه ای که عرف آن را جزء جمله عام یا از ملحقات آن به شمار نمی‌آورد، مانند این که عامی مانند: «اکرم العلماء» آمده، بعد خاصی مانند: «لا تکرّم الفساق من العلماء» به طور منفصل وارد شده است (مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، ج ۱ ص ۷۱).

در محل بحث قاعده اقرار عام است و قاعده من ملک، مخصص منفصل آن محسوب می‌گردد

۲-۱-۱. شرایط مخصص منفصل

مخصص منفصل شرایطی دارد که به شرح ذیل است:

۲-۱-۱-۱. معتبر بودن هردو دلیل عام و خاص بالفعل

در مخصص منفصل شرط است که هردو دلیل معتبر باشند. اگر یکی از آنها فاقد اعتبار باشد، دیگر تخصیص معنا ندارد؛ چونکه تخصیص برای رفع تعارض میان دو دلیل معتبر است و وقتی که یکی از دو دلیل معتبر نباشد، تعارضی وجود ندارد (حسین قافی و همکاران، ۱۳۹۹)، ص ۹).

۲-۱-۱-۲. وجود تنافی بین عام و خاص

تخصیص منفصل در جایی است که بین دو دلیل عام و خاص، تعارض و تنافی موجود باشد. اگر تنافی نباشد، تخصیص بی معناست. هنگامی که مولا حکم عامی مثل «اکرم کل عالم» را صادر می‌کند و بعد از آن در جمله مستقل دیگری فرمان می‌دهد که «لا تکرّم العالم النحوی»، بین دو دلیل، تعارض و تنافی است.

چون دلیل عام حکم به اکرام همه علما حتی علمای علم نحو می دهد ولی دلیل خاص می گوید علمای نحوی را اکرام نکن، پس تعارض و تنافی موجود است که با تقدم خاص برعام، این تنافی از بین می رود (محمد سعید حکیم، ۱۴۱۴)، ج ۶، ص ۴۸).

۳-۱-۱-۲. قوی تر بودن خاص از عام

باتوجه به این که هریک از دلیل عام و خاص معتبر است، در صورتی می توان خاص را بر عام مقدم داشت که خاص قوی تر باشد؛ زیرا برای تقدیم خاص برعام، باید ظهور اولیه عام را تخریب کرد و این کار جز با قوی تر بودن خاص میسر نیست. حالا چه قایل شویم که خاص به حیث دلالت و ظهور قوی تر است (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۵۲-۷۵۵) یا قائل شویم که قرینه ای وجود دارد که مراد مولا از همان اول حکم خاص بوده اما به مصالحی صدور حکم خاص را به تأخیر انداخته است و قرینه همیشه بر ذی القرینه مقدم می شود (خویی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۰۳).

۲-۲. قاعده

قاعده در لغت یعنی اساس چیزی و در اصطلاح یعنی ضابطه ای کلی که بر تمام جزئیات خود منطبق باشد (احمد بن محمد فیومی، (بیتا) مصباح المنیر، بیروت، المكتبة العلمیه، ج ۲، ص ۵۱۰). در محل بحث مراد قاعده فقهی است. قاعده فقهی قواعدی است که برای استنباط احکام شرعی، از راه تطبیق، کاربرد دارد (انها قواعد تقع فی طریق استفادة الاحکام الشرعية الالهية و لا یکون ذلك من باب الاستنباط و التوسيط بل من باب التطبيق) (محمد اسحاق فیاض، محاضرات فی اصول الفقه (تقریرات درس آية الله سيد ابو القاسم خوئی)، ج ۱، ص ۸).

۳-۲. اقرار

اقرار در لغت اذعان و اعتراف به حق راگویند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۸۲) و در اصطلاح عبارت است از اخبار به حق به ضرر خود و به نفع دیگری (ابن حمزة الطوسی، الوسيلة، ص ۲۸۳). در قانون مدنی ایران نیز اقرار طبق همان تعریف اصطلاحی معنا شده است (قانون مدنی ایران، م ۱۲۵۹).

واکاوی مخصص منفصل قاعده اقرار* ۹

قاعده اقرار یکی از قواعد مهم فقهی است که به عنوان سند معتبر در بحث اقرار کاربرد دارد. طبق قاعده اقرار، یکی از ادله اثبات دعوا که اقرار و اعتراف است، معتبر شمرده می شود تا جایی که اقرار را مهمترین دلیل در ادله اثبات دعوا برشمرده اند.

۲-۴. من ملک

من ملک، قاعده ی است فقهی که به عنوان مخصص منفصل قاعده اقرار نقش آفرینی می کند. وظیفه این قاعده، شمول افرادی است که طبق قاعده اقرار، اقرارشان غیر معتبر شمرده است. به عبارت دیگر، قاعده من ملک، به اقرار افرادی که با قاعده اقرار، اقرارشان غیر معتبر قلمداد شده است، اعتبار می بخشد.

۳. مفاده قاعده من ملک

کسی که حق تصرف و اختیار دخل و تصرف در چیزی را داشته باشد، و عرفا در آن چیز تصرف نموده باشد یا ادعا کند که تصرف کرده است، اختیار اقرار به آن چیز نیز طبق این قاعده، به آن شخص واگذار شده است، در نتیجه اگر وکیل نسبت به موکل فیه اقرار کند، اقرار او نافذ و مسموع است (خدابخشی، حسن؛ عربیان، اصغر، (۱۳۹۳)، ص ۳۸).

۴. واژه شناسی قاعده من ملک

من: من از ادات شرط است و اعم است از صغیر و مجنون و بالغ و همه را شامل می شود

۱-۴. مَلَك:

مَلَك فعل ماضی است در جمله شرط و جزا تکرار شده است و به معنای مالکیت و قدرت تصرف و داشتن اهلیت انجام عمل است. در محل بحث منظور داشتن قدرت و اختیار شرعی و قانونی بر اقرار نمودن می باشد. به عبارت دیگر معنای قاعده این است که: «هر کس شرعا و قانونا اهلیت و اختیار انجام عملی را دارا باشد، اقرار وی نیز در خصوص مورد، معتبر و نافذ

خواهد بود اگر چه مفاد اقرار بر ضرر خود او نباشد» (سید مصطفی محقق داماد، ج ۲، ص ۱۹۰)

۲-۴. شیئا

این واژه در اصل دارای معنای عام و فراگیری است و هر چیزی را شامل می شود اعم از اینکه عین باشد یا فعل باشد؛ اما در محل بحث، مراد افعال است نه اعیان؛ زیرا این واژه که در جمله جزا به صورت ضمیر بیان شده، مرادش متعلق اقرار می باشد و متعلق اقرار همواره، فعل و عمل یا ثبوت حق و ارتباط آن به دیگری می باشد (محمد کاشف الغطا، ۱۴۲۲، ص ۳۱۹؛ سید مصطفی محقق داماد، ج ۲، ص ۱۸۹)

امام خمینی نظر دیگری اتخاذ نموده و معتقد است که کلمه شیئی در این قاعده مختص به اعیان و اشیاء خارجی است و افعال را در بر نمی گیرد و بزرگانی چون ملا عبدالله مامقانی و سید تقی طباطبایی نیز همین نظریه را پوشش داده اند (روح الله خمینی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۱)

به نظر می رسد که شیئی در این جا خصوص افعال را شامل شود نه اعیان را؛ زیرا اقرار از افعال است.

۳-۴. الاقرار:

همانگونه که قبلا بیان شد، اقرار در لغت اذعان و اعتراف به حق را گویند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۸۲) و در اصطلاح عبارت است از اخبار به حق به ضرر خود و به نفع دیگری (ابن حمزة الطوسی، الوسيلة، ص ۲۸۳)؛ اما نکته قابل بحث این است که معنای این واژه با کلمه اقرار بیان شده در قاعده اقرار یکی است یا متفاوت است. برخی معتقدند که معنای این واژه در محل بحث با قاعده اقرار متفاوت است و در این جا همان معنای لغوی اقرار مراد است و الا لازم می آید که قاعده من ملک با قاعده اقرار یکی باشد (محقق عراقی، ۱۴۲۱، ص ۳۱).

به نظر میرسد که در این جا نیز همان معنای اصطلاحی مراد باشد و اعمال معنای لغوی در محل بحث، خلاف ظاهر عبارات فقهاست. اقرار مقرر در این قاعده، همان اقرار مقرر علیه است چون اقرار مقرر در این جا به ضرر خود مقرر علیه است (محمد باقر صدر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۰۳).

واکاوی مخصص منفصل قاعده اقرار* ۱۱

۵. نسبت قاعده من ملک با قاعده اقرار
در این که چه نسبتی میان این دو قاعده برقرار است چهار نظریه مطرح شده است:

۱-۵. تباین کلی

به عقیده برخی از فقها، نسبت بین این دو قاعده تباین کلی است و مفهوما و مصداقا با هم فرق دارند. بدلیل اینکه در قاعده اقرار، نیازی به عنوان اضافی نیست و صرف عاقل بودن مقرر کفایت می کند و قاعده اقرار لا بشرط است؛ اما در قاعده من ملک، عناوین دیگری مثل وکیل، ولی، صبی و... لازم است و این قاعده بشرط شیئی است (جعفر سبحانی، درس خارج فقه، ۱۳۹۰/۰۶/۳۰).

آیت الله بجنوردی نیز قائل است که این دو قاعده با هم فرق دارند (سید محمد بجنوردی، قواعد فقهیه، ج ۱، ص ۳۳۸) بدو دلیل:

الف) طبق قاعده اقرار، اقرار به نفع مقرر نافذ نیست؛ اما طبق قاعده من ملک، اقرار به نفع مقر نیز نافذ است، زیرا من ملک شیئا ملک الاقرار به.

ب) در قاعده اقرار شرط است که مقرر، بالغ و عاقل باشد؛ اما در قاعده من ملک چنین شرطی نیست و غیر بالغ هم می تواند اقرار کند به دلیل من ملک شیئا ملک الاقرار به.

۲-۵. عموم و خصوص مطلق

من ملک هم به لحاظ مفا اقرار و هم به لحاظ شرایط مقرر، اعم از قاعده اقرار است. زیرا طبق قاعده اقرار، در مقرر بلوغ شرط است؛ اما در قاعده من ملک در مقرر بالغ بودن شرط نیست. به لحاظ مفاد نیز من ملک اعم است؛ زیرا قاعده اقرار تنها مواردی را شامل می شود که مقرر به ضرر خود و به نفع دیگری اقرار کند؛ اما قاعده من ملک مواردی را که اقرار به نفع خود شخص باشد و به ضرر ثالث باشد را نیز پوشش میدهد (سید مصطفی محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۷)

۳-۵. عموم و خصوص من وجه

آیت الله سید محمد کاظم مصطفوی این دیدگاه را پسندیده است ایشان معتقد است که نسبت بین این دو قاعده من وجه است. فرق قاعده اقرار این است که اقرار به قتل و ضرب و سرقت تعلق می گیرد در حالیکه این موارد

از مملوکات محسوب نمی گردد. وجه اجتماع قاعده اقرار با من ملک در این است که اقرار به ملک نیز تعلق می گیرد. فرق من ملک با اقرار در این است که اقرار صبی را من ملک در ملک نافذ می داند اما قاعده اقرار نافذ نمی داند و وجه اجتماع من ملک با قاعده اقرار درجایی است که مقرر بالغ، اقرار به ملک کند (سید کاظم مصطفوی، القواعد الفقہیہ، ج ۱، ص ۲۸).

۴-۵. تساوی

حضرت امام خمینی معتقد است که قاعده اقرار با قاعده من ملک یکی است و صرفاً اختلاف در عنوان است، در نتیجه قاعده من ملک نیز مثل اقرار، فقط اقرار اصیل را شامل می گردد و اقرار غیر اصیل مثل وکیل، وصی و... را در بر نمی گیرد (روح الله خمینی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۲-۱۶۳). به نظر می رسد که دیدگاه اول قویتر باشد و نسبت به سایر نظرات رجحان دارد و قاعده من ملک، قاعده مستقل قلمداد گردد بدلالی که در نظریه اول مطرح شد و بدلیل اینکه اگر قاعده من ملک را به عنوان قاعده مستقل نپذیریم و موارد استثنا شده از قاعده اقرار را به واسطه من ملک ثابت نکنیم، در موارد زیادی عسر و حرج لازم آمده و موجب اختلال نظام اقتصادی و... می گردد.

۶. مستندات قاعده من ملک

ادله زیادی را به عنوان مستند قاعد من ملک مورد بحث قرار داده اند از جمله:
۱-۶. اقرار العقلای علی انفسهم جایز (اگر مستند قاعده را حدیث اقرار بدانیم نتیجه آن خواهد بود که این قاعده، نمی تواند به عنوان یک قاعده مستقل به حساب آید، در حالی که از سیاق عبارات فقها چنین استفاده می شود که این قضیه را به عنوان یک قاعده مستقل تلقی و در فروع مختلف به آن استناد می کنند)
۲-۶. اجماع (نکته مهم و قابل توجه این است که چنین اجماعی، در صورتی مفید است که بدانیم در مواردی که فقها از استناد به قاعده خودداری ورزیده اند به علت وجود دلیل معارض بوده است، نه به لحاظ تفسیر خاص ایشان از قاعده من ملک. حصول اجماع در این قضیه خالی از شبهه و تردید نیست. از این رو باید دلایل و مدارک دیگری برای قاعده جستجو کرد تا بتوان استظهار اجماع را مؤیدی

واکاوی مخصص منفصل قاعده اقرار* ۱۳

بر آن دلایل تلقی نمود و ضعف آنها را با اجماع جبران کرد)
۳-۶. دلیل ائتمان (ممکن است برای اثبات، به ادله مربوط به پذیرش قول امین تمسک شود. با این بیان که هر کس از طرف مالک یا به حکم شارع در انجام کاری مأذون باشد و امین به حساب آید، سخن او در امور مربوطه مقبول و مسموع است و نمی‌توان او را متهم به کذب نمود. این امر تحت عنوان قاعده «لیس علی الامین الا الیمین» بحث شده است. بنابراین وقتی وکیل یا ولی اقرار به امری می‌کند که تحت اختیار او است باید چنین اقراری را پذیرفت هر چند مفاد آن بر ضرر موکل یا مولی علیه باشد. اما با این دلیل نمی‌توان به اقرار صبی اعتبار بخشید. از این‌رو همان‌طور که گفته شد چنین استدلالی را نمی‌توان به عنوان ملاک و دلیل قاعده پذیرفت؛ زیرا این مدرک، جامع همه موارد نیست)

۴-۶. دلیل ملازمه (ممکن است منظور از ملازمه این باشد که هرگاه شارع کسی را مسلط بر امری قرار دهد، این سلطه مستلزم آن است که اخبار و اقرار آن کس نسبت به امور ذی ربط حجّت باشد. مثلاً وقتی حاکم، شخصی را به عنوان قیّم بر صغار منصوب می‌کند یا کسی را متولی وقف قرار می‌دهد این امر مستلزم حجّت اخبار و اقرار او است. بنابراین منظور این است که هر کس شرعاً مجاز به انجام عملی باشد چنین اختیاری مستلزم حجّت اقرار و اخبار او است نه اینکه هر کس صرفاً و تکویناً بتواند کاری را انجام دهد باید قول او را پذیرفت. اما این سخن نیز دعوی بلا برهان است. زیرا ملازمه در جایی است که اگر تلازم نباشد لغویتی لازم آید

در حالی که از عدم ملازمه مذکور هیچ لغویتی لازم نمی‌آید. یعنی امکان دارد شخصی را مسلط بر امری قرار دهند و به او اختیار تصرفاتی را بدهند اما در عین حال اخبار یا اقرار او را نپذیرند. مثلاً وقتی گفته می‌شود مرد اختیار طلاق را دارد این اختیار هیچ ملازمه‌ای با آن ندارد که اخبار اقرار او را نسبت به انجام طلاق را بپذیریم. چنین ملازمه‌ای از نظر عقل وجود ندارد، شرع و عرف نیز این ملازمه را تأیید نمی‌کند)

این ادله مخدوش و قابل رد است و تنها دلیل مهم و معتبر برای اثبات این قاعده، همان بنای عقلاست که در ذیل بیان شده است.

۵-۶. بنای عقلاء

از نظر عقلای عالم، عدم پذیرش قاعده من ملک و مفاد آن که قبول اقرار افراد

مورد نظر است، باعث می شود مردم به عسر و حرج گرفتار شوند و در نظام تجارت اختلال ایجاد شده و موجب تعطیلی آن گردد. پذیرش این بنای عقلائی، امر وجدانی و ضروری است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، صص ۴۶ و ۹۲)

۷. موارد استثنا شده توسط قاعده من ملک از قاعده اقرار طبق قاعده اقرار، نفوذ و اعتبار اقرار تنها به زیان اقرار کننده نافذ است؛ اما طبق قاعد من ملک، در موارد ذیل، اقرار به ضرر شخص ثالث را نیز نافذ و معتبر قلمداد کرده است.

۱-۷. اقرار مرد نسبت به طلاق

اگر مردی اقرار کند که زنش را طلاق داده است، از او پذیرفته می شود چون طلاق در اختیار مرد است پس اقرار نسبت به طلاق نیز در اختیار او است و قولش مورد پذیرش است (میرزای قمی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۷۲)

همانگونه که اقرار مرد نسبت به اصل طلاق پذیرفته می شود، در مسائل پیرامون آن نیز پذیرفته است مثل اینکه در زمان عده اقرار به رجوع شود. مردی که اقرار نموده که در زمان عده و پیش از تمام شدن آن، به زن خود رجوع نموده است، اقرارش نافذ است و زن همچنان زوجه او قلمداد می شود (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۳۶)

۲-۷. اقرار ولی

در صورتی که بین ولی و مولی علیه، اختلافی پیش آید و ولی نسبت به انفاق مولی علیه اقرار کند، اقرارش نافذ است (سید ابوالحسن اصفهانی، ۱۴۲۲، ص ۴۸)

اقرار ولی در مورد تصرفاتی که در اموال مولی علیه دارد، قابل پذیرش است. به عبارت دیگر، اگر ولی حق تصرف در اموال مولی علیه را داشته و شرعا و قانونا بتواند در اموال او تصرف کند، حق دارد که نسب به آن اموال اقرار نیز نماید و چنین اقراری نافذ است. (محمد حسن نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۴۳۴)

ولی می تواند در مورد فروش اموال مولی علیه یا به اجاره دادن آنها، که حق تصرف شرعی و قانونی دارد، اقرار نماید و اقرار او در این موارد مورد تایید شرع است (کاشف الغطا، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۰۰).

ولی همانگونه که می تواند اجازه تزویج مولی علیه را صادر نماید و شرعا و قانونا چنین حقی دارد، می تواند نسبت به به ازدواج مولی علیه اقرار نماید. مثل اینکه

واکاوی مخصوص منفصل قاعده اقرار* ۱۵

پدر اجازه ازدواج دختر باکره خود را داده باشد و دختر انکار کند، در این صورت اقرار پدر نسبت به ازدواج دختر خود، ازدواج دختر را ثابت می کند؛ پس اقرار ولی در امر ازدواج مولی علیه، مثبت ازدواج است (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۹). اقرار ولی در مواردی مثل پرداخت نفقه مولی علیه، رعایت مصلحت مولی علیه در صورت فروش اموالش، اتلاف مال بدون تعدی و زیاده روی و عدم مراقبت، پذیرفته می شود (فخر المحققین، ۱۳۷۸ ه ج ۲، ص ۵۵-۵۴). وصی نیز حکم ولی را دارد و اقرار وصی در مثل موارد فوق الذکر نافذ است (کاشف الغطاء ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۰).

۳-۷. اقرار عبد مأذون

در صورتی که عبد از طرف مولا در تجارت اذن داشته باشد، اقرارش نیز نسبت به مسائل تجاری مربوطه پذیرفته می شود دلیل آن نیز قاعده اقرار است؛ زیرا عبد در تجارت حق تصرف دارد به اذن ولی پس در مسائل تجاری مثل اقرار در مورد ثمن مبیع و ارش معیب نیز حق اقرار دارد و اقرارش پذیرفته می شود (شیخ طوسی، المیسوط؛ ج ۳، ص ۱۸، ۱۹؛ مصطفی محقق داماد، همان، ص ۱۸۴). محقق حلی نیز این مورد را از استثنائات قاعده اقرار بر شمرده و اقرار عبد مأذون را نافذ می داند (محقق حلی، شرایع الاسلام؛ ج ۲، ص ۲۰۵).

۴-۷. اقرار وکیل

اگر بین وکیل و موکل، در مال مورد وکالت اختلافی بیفتد، مثل اینکه وکیل مدعی فروش مال و قبض ثمن باشد؛ اما موکل انکار کند، طبق نظر برخی از فقها، اقرار وکیل و قول او نافذ است و مقدم بر انکار موکل می شود؛ بدلیل اینکه وکیل امین است و همانگونه که حق تصرف در مال الوکاله را دارد، حق اقرار نسبت به آن را نیز دارد و چنین حقی طبق قاعده من ملک، مشروع و نافذ است (محمد حسن نجفی، همان، ج ۲۷، ص ۴۳).

شخصی که وکالت انعقاد عقد نکاح را از طرف زوجین داشته است و عقد را منعقد کرده است، در صورت اختلاف بین زوجین در انعقاد عقد، اقرار وکیل نافذ و قاطع دعواست و اقرار او نافذ است و مشروعیت این اقرار، مبتنی بر قاعده من ملک است. در نتیجه، نفس توکیل کفایت می کند و سخن وکیل در موکل فیه، حجت است (سید موسی شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۳۸).

اعتبار اقرار وکیل مشروط به این است که اختلاف بین اصیل و اقرار کننده باشد؛ اما اگر اختلاف بین اصیل و شخص سوم باشد، اقرار غیر اصیل فاقد اعتبار است. اقرار وکیل اثبات حقی برای شخص است. اقرار او حکم شاهد به نفع ثالث و به ضرر موکل را دارد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۷).

۵-۷. اقرار متولی وقف

اگر متولی وقف (متولی وقف به فردی گفته می شود که واقف او را سرپرست اموال وقفی قرار داده است تا ضمن نظارت بر اموال وقفی، مصالح آن را در نظر گیرد) (لنگرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۴) نسبت به اجاره مال موقوفه اقرار کند، طبق قاعده من ملک، اقرار او نافذ است (کاشف الغطاء، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۰۰). کسی که متولی موقوفات است، و حق تصرف در آنها را دارد و زمینی رابه مزارعه یا مساقات داده است و یا هرگونه تصرفی دیگری در آن انجام داده است، چنین شخصی اقرارش در امور مربوط به موقوفات مشروط به رعایت مصالح، نافذ است (محدث قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۹).

۶-۷. اقرار طفل به امور مأذون از طرف شرع

در مور اقرار طفل سه نظریه وجود دارد:

۱. عده ای منکر پذیرش اقرار طفل شده اند و معتقدند که با قاعده من ملک نمی توان اقرار طفل را ثابت کرد و اقرار طفل ولو ممیز باشد، فاقد اعتبار است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۰۱)

۲. طفل حق دارد نسبت به مواردی که حق تصرف دارد و می تواند انجام دهد اقرار نماید و چنین اقراری شرعا مورد قبول است مثل اینکه حق دارد وصیت کند یا صدقه بدهد. پس اقرار طفل نسبت به وصیت و صدقه نیز قبول است (محمد حسن نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۱۰).

۳. برخی از فقها، ضمن پذیرش اقرار طفل، شرطی اضافه کرده اند و آن اینکه، طفل به ده سالگی رسیده باشد، پس اقرار او قبل از رسیدن به ده سالگی مردود است. (سید محسن حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۰۰؛ روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۲).

۸. نتیجه

من ملک در خصوص اقرار، قاعده اقرار را تخصیص زده است و باعث شده است

واکاوی مخصص منفصل قاعده اقرار* ۱۷

که اقرار افراد بیشتری معتبر قلمداد گردد قاعده من ملک کاربرد فروانی در فقه دارد و مصایق آن در فقه کاربرد است مثل نفوذ اقرار وکیل، وصی و وصی، که می تواند مشکلات زیادی را در دادگاهها حل نماید. من ملک قاعده ای مستقلاً است و مهمترین دلیل مشروعیت آن، بنای عقلاست و چنین بنای، مورد ردع شارع قرار نگرفته است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن حمزة الطوسی (۱۴۰۸). الوسيلة، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
۳. ابن منظور (۱۴۱۴). لسان العرب، بيروت، دار صادر.
۴. احمد بن محمد فيومي، (بيتا) مصباح المنير، بيروت، المكتبة العلمية.
۵. اصفهانی، سيد ابوالحسن (۱۴۲۲)، وسيلة النجاة، قم، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
۶. انصاری، مرتضى (۱۴۱۴)، رسائل فقهيه، قم، كنگره بزرگ داشت شيخ انصاری.
۷. انصاری، مرتضى، (۱۴۱۱)، فرائد الاصول، قم، نشر اسلامي.
۸. بجنوردی، سيد محمد (۱۴۰۱)، قواعد فقهيه، تهران، عروج.
۹. جبعی عالمی، محمد بن جمال الدين (۱۳۱۰)، الروضة البهيه، قم، داوری.
۱۰. جزایری، محمد جعفر (۱۴۱۳)، منتهی الدراية فى توضيح الكفاية، قم، دارالكتاب.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسایل الشيعه، قم، ال البيت.
۱۲. حکيم، سيد محسن (۱۴۱۰)، منهاج الصالحين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۳. حکيم، محمد سعيد (۱۴۱۴)، المحكم فى اصول الفقه، بیجا، بينا.
۱۴. حلی، حسن بن يوسف (۱۴۱۳)، قواعد الاحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۱۵. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الاسلام، قم، اسماعيليان.
۱۶. خدابخشی، حسن؛ عربیان، اصغر. (۱۳۹۳). اعتبار قاعده «من ملک شيئاً ملك الإقرار به» در اقرار یا اخبار. مبانی فقهی حقوق اسلامي، ۱۴ (۲) ۱۴
۱۷. خدابخشی، حسن؛ عربیان، اصغر، (۱۳۹۳)، اعتبار قاعده ی «من ملک شيئاً

۱۸ * مجله علمی نسیم کوثر / تابستان ۱۴۰۰ / شماره ۱

۱۸. ملک الاقرار به « در اقرار یا اخبار، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱۴. خمینی، روح الله (۱۴۲۰)، الرسائل العشره، قم، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی .
۱۹. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳)، محاضرات، تقرير محمد اسحاق فياض، قم، دارالهادی.
۲۰. زحیلی، وهبه (۱۳۸۸)، الوجيز في اصول الفقه، تهران، احسان.
۲۱. سبحانی، جعفر، درس خارج فقه، ۱۳۹۲/۰۶/۳۰
۲۲. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹)، کتاب نکاح، قم، رأی پرداز.
۲۳. صدر، محمد باقر (۱۴۰۸)، بحوث فی شرح عروة الوثقی، قم، مجمع شهید صدر.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء التراث الجعفریه
۲۵. عاملی، زین الدین (۱۴۱۳)، مسالك الافهام، قم، معارف اسلامیه.
۲۶. عراقی، ضیاء الدین، علی کزازی (۱۴۲۱)، کتاب القضاء، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا.
۲۷. فیاض، محمد اسحاق (۱۴۲۲)، محاضرات فی اصول الفقه (تقریرات درس آیه الله سید ابو القاسم خوئی) بی جا، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی قدس سره.
۲۸. قافی، حسین (۱۳۹۹)، اصول فقه کاربرد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۹. قافی، حسین؛ فهیمی، عزیز الله؛ عزیزاللهی، محمد مهدی. (۱۳۹۹). تفاوت منطق قانونگذاری الهی و بشری در حیطة مسئله تخصیص منفصل. حقوق اسلامی، ۱۷ (۶۷)، ۹۱-۱۰۹.
۳۰. قانون مدنی ایران، م ۱۲۵۹.
۳۱. قمی، عباس (۱۴۲۳)، الغایة القصوی فی ترجمة العروة الوثقی، قم، صبح پیروزی.
۳۲. کاشف الغطا، احمد (۱۴۲۲)، سفینه النجاة و مشكاة الهدی و مصباح السعادات، نجف، موسسه کاشف الغطا.
۳۳. لنگرودی، سید محمد حسن مرتضوی (۱۴۱۲)، الدر النصید، قم، انصاریان.
۳۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶)، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۵. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد، قم، آل البيت.

واکاوی مخصوص منفصل قاعده اقرار* ۱۹

۳۶. کاشف الغطاء، محمد، ۱۴۲۲، سفينة النجاة و مشكاة الهدى و مصباح السعادة، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف اشرف.
۳۷. مرکز اطلاعات و منابع اسلامی (۱۳۷۹ش)، فرهنگ نامه اصول فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۸. مصطفوی، سید کاظم (۱۴۲۱)، القواعد الفقہیہ، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين
۳۹. میرازی قمی، ابوالقاسم (۱۴۲۷)، رسائل میرزای قمی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۰. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهرالکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

